

ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع‌محور: بررسی نقش عوامل فرهنگی

اسما صالحی نودز: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش توسعه منابع انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

نورمحمد یعقوبی: استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

عالمه کیخا*: استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

چکیده

پژوهش حاضر به منظور ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع‌محور با رویکرد فرهنگی در استانداری استان کرمان انجام شد. روش این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و برحسب نوع داده‌ها آمیخته است. ارائه الگو به روش کیفی فراترکیب انجام شده؛ بدین صورت که با استفاده از روش فراترکیب ۱۰۶ مقاله حوزه مدیریت بحران بررسی و با کمک تحلیل محتوا، ابعاد و کدهای مربوطه استخراج و میزان اهمیت و اولویت هر یک به کمک روش کمی آنتروپی شانون تعیین شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه کارکنان استانداری استان کرمان هستند، که از طریق فرمول کوکران، تعداد ۱۲۶ نفر انتخاب و پرسشنامه تحقیق بین آن‌ها توزیع شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی تأییدی با نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس (نسخه ۲) مورد استفاده قرار گرفت. طبق یافته‌های تحقیق، شاخص‌های استخراجی از مقالات در سه بعد قبل از بحران (آموزش و آگاهی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مشارکت نظری، سرمایه معنوی) حین بحران (مشارکت عملی، ارتباطات، مدیریت احساسات مردم) و پس از بحران (خاطرات جمعی، مشارکت اجتماعی، رسانه جمعی و هویت بخشی) دسته‌بندی شده‌اند. در این میان، ابعاد قبل، حین و پس از بحران به ترتیب ۹۹، ۹۸ و ۹۸ درصد از تغییرات الگوی مدیریت بحران اجتماع‌محور با رویکرد فرهنگی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفتند. در مرحله سوم پژوهش به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش از روش سوآرا استفاده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش اولویت‌بندی شدند. نتایج نشان داد مؤلفه‌های آموزش عمومی، مشارکت عملی و مشارکت اجتماعی به ترتیب با اوزان نهایی ۰،۴۲، ۰،۳۵، ۰،۲۷ رتبه‌های اول تا سوم را دارا هستند. **واژه‌های کلیدی:** ظرفیت‌سازی جوامع محلی، مدیریت بحران اجتماع‌محور، عوامل فرهنگی

Capacity Building of Local Communities in Community-Based Crisis Management: A Study of the Role of the Cultural Factors

Asma Salehi Nodez¹, Noormohammad Yaqubi², Aleme Keikha^{*3}

Abstract

The aim of this study is to investigate Capacity-Building of local communities in community-based crisis management with a cultural approach in the governorate of Kerman province. The method of this research is applied and mixed according to the type of data. The presentation of the pattern is done in a qualitative meta-hybrid method; thus, using the meta-combined method, 106 articles in the field of crisis management were reviewed and with the help of content analysis, the relevant dimensions and codes were extracted and the importance and priority of each was determined using the Shannon quantitative entropy method. The statistical population of the present study is all of the employees of the governorate of Kerman province. Through Cochran's formula, 126 people were selected and a research questionnaire was distributed among them. In order to analyze the data, confirmatory factor analysis with SMART PLS software version 2 was used. According to the research findings, indicators extracted from articles are in three dimensions: before the crisis (education and awareness, social and cultural capital, theoretical participation, spiritual capital), during the crisis (practical participation, communication, managing people's emotions), and after the crisis (collective memories, social participation, Mass media and identity). Among these, the dimensions before, during and after the crisis explain 99%, 98% and 98% of the changes in the community-based crisis management model with a cultural approach, respectively. Also, the results of confirmatory factor analysis showed that all components and indicators of the research model were confirmed with 99% confidence. In the third stage of the research and in order to prioritize the components and indicators of the research, the Soara technique was used and the components and indicators of the research were prioritized. The results showed that the components of general education, practical participation and social participation with the final weights of 0.42, 0.35, 0.27 have the first to third ranks, respectively.

Keywords: Capacity building of local communities, community-based crisis management, cultural factors.

1 - M.Sc. Student of Public Administration, Human Resources Development, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Salehi.asma@pgs.usb.ac.ir

2 - Professor, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

3 - Assistant Professor, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Aleme.keikha@entp.usb.ac.ir (corresponding author)

۵۷

شماره بیستم

پاییز زمستان
۱۴۰۰

دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع‌محور:
بررسی نقش عوامل فرهنگی / اسما صالحی نودز

حوادث و سوانح طبیعی از دیرباز به عنوان مخرب‌ترین عوامل آسیب‌رسان به انسان، جامعه و زیست‌گاهش بوده است. از این رو تلاش‌های بشر برای مقابله با این حوادث منجر به گشایش در چینه‌های جدید از فعالیت‌های تحقیقاتی و مطالعاتی موسوم به مدیریت بحران^۱ شده است. از سوی دیگر در سال‌های اخیر با آشکار شدن ناکارآمدی به‌کارگیری راهکارهای تجویزی دولت محور، برنامه‌ریزان و مدیران بحران بیش از هر چیز به بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماع محلی^۲ جلب شده‌اند. رو به رو شدن و یافتن پاسخ مناسب برای بلایای احتمالی بستگی به اتخاذ روشی مؤثر و کاربردی برای برنامه‌ریزی و اجرا دارد. در رابطه با مدیریت بحران دو رویکرد عمده وجود دارد. رویکرد اول اشاره به اتخاذ سامانه از بالا به پایین نظیر سامانه نظامی با یک سلسله مراتب دقیق و وسیع است. مبتنی بر این رویکرد برنامه‌ریزی برای حوادث و بلایا از بالاترین سطح جامعه آغاز شده و به سطوح محلی جامعه می‌رسد. رویکرد دوم به‌عنوان رویکردی نوین به مدیریت بحران، اتخاذ سامانه پایین به بالا را مد نظر قرار داده و معتقد است اگر همکاری و همیاری مردم محلی و شهروندان منطقه نباشد؛ عملاً مدیریت بحران بی اثر خواهد بود. این رهیافت در واقع سعی بر یافتن راه حل برای جبران ضعف‌ها و مشکلات رویکرد سنتی و بر توانمندسازی مردم محلی تأکید دارد؛ لذا مدیریت اجتماع محور گزینه مناسبی برای مدیریت بحران‌ها محسوب می‌شود. مدیریت بحران اجتماع محور^۳ در واقع نشان‌دهنده چگونگی ایجاد جامعه‌ای تاب آور در برابر بلایا با مشارکت مردم است. در مدیریت بحران اجتماع محور علاوه بر شناسایی خطرات تهدیدکننده توسط ساکنان اجتماعات محلی، تلاش می‌شود تا افراد، گروه‌های فعال و تأثیرگذار جوامع به فعالیت و ایفای نقش در تمامی مراحل چرخه آن فراخوانده شوند و شرایط لازم به منظور افزایش ظرفیت‌های افراد و گروه‌های محلی برای مواجهه با بحران فراهم آید [۱]. ضرورت توجه به بحث مدیریت بحران در کشورمان بر همگان آشکار است. کشورهایی نظیر ایران که جزو کشورهای پرحادثه هستند و بلایای طبیعی زیادی در آن‌ها رخ می‌دهد، در حوزه مدیریت بحران بلایای طبیعی نیازمند ظرفیت‌سازی^۴ بالایی هستند؛ چرا که ایران از نظر حوادث غیرمترقبه طبیعی جز ۱۰ کشور اول جهان محسوب می‌شود. بر این اساس ۹۰ درصد جمعیت کشور در معرض خطرات ناشی از سیل و زلزله قرار دارند. بلایای طبیعی تنها در طی ۷ سال گذشته بیش از ۱۷۵۰ میلیارد ریال خسارت به کشور وارد کرده‌اند. بررسی نحوه مواجهه با بلایای طبیعی در ایران حاکی از آن است که دولت‌های متفاوت بیشتر به التیام بخشی پیامدهای بعد از وقوع بلایا اکتفا و همت خود را بر مراحل بازسازی در چرخه مدیریت بحران متمرکز کرده‌اند [۲]. در طول دو دهه اخیر بهره‌گیری از رویکردهای جامعه محور و تمرکز بر ریشه‌یابی علل آسیب‌پذیری در مقایسه با توجه صرف به علل وقوع بلایا و تمرکز اصلی بر ظرفیت‌سازی محلی به منظور افزایش قابلیت تاب‌آوری در مقابل مخاطرات طبیعی، آمادگی در برابر بلایا و سازگاری با تغییرات محیطی رواج یافته است. صاحب‌نظران معتقدند چنانچه ابتکارهای مدیریتی بحران

اجتماع محور بلایا به منزله عنصر کلیدی در فراگردهای گسترده‌تر پیش‌گیری از بحران‌ها، برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار و نهادسازی مورد توجه قرار گیرد، اثربخشی بیشتر نسبت به زمانی خواهد داشت که تنها به‌عنوان یک پروژه محلی با اهداف کوتاه‌مدت آمادگی در برابر بلایای طبیعی در نظر گرفته شوند [۳]. با توجه به اهمیت بحث مدیریت بحران اجتماع محور، در سال‌های اخیر تلاش زیادی از سوی محققان برای شناسایی عوامل مؤثر در مدیریت بحران اجتماع محور در ادارات و سازمان‌های مرتبط با بحران انجام شده است؛ ولی بیشتر تحقیقات به بررسی بسیار کلی مبحث عوامل پرداخته‌اند؛ لذا در این پژوهش به دنبال شناسایی و اولویت‌بندی عوامل بسیار مهم فرهنگی در مدیریت بحران اجتماع محور در استانداری استان کرمان هستیم.

مبانی نظری پژوهش

ظرفیت‌سازی جوامع محلی

مفهوم ظرفیت‌سازی و اصطلاح توسعه پایدار^۵ برای اولین بار در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ معرفی شدند. اصطلاح ظرفیت‌سازی جوامع محلی^۶ از اصطلاحات گذشته مانند تبدیل ساختارهای سازمانی و توسعه سازمانی گرفته شده است. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ این اصطلاحات به توسعه اجتماعی اشاره داشتند که تمرکزشان بر افزایش ظرفیت‌های فناورانه با کمک افراد جامعه بود. با وجود حضور پیشگامان ظرفیت‌سازی قبل از دهه ۹۰، نیروهای قدرتمندی برای توسعه بین‌المللی مفهوم ظرفیت‌سازی در آن دهه وجود نداشت. یکی از ابعاد بسیار مهم ظرفیت‌سازی، ظرفیت جوامع محلی است. ظرفیت جوامع محلی را می‌توان توانایی ساکنان محله برای واکنش به فشارهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی، ایجاد و تقویت فرصت‌ها و مشاهده سرمایه‌های محلی در کنار نیازهای محلی تعریف کرد [۴]. در ظرفیت‌سازی جوامع محلی ویژگی‌هایی از جامعه تعریف می‌شود که آن را قادر به بسیج، تشخیص و حل مشکلات می‌کند، زمانی که ظرفیت افراد افزایش می‌یابد منجر به توانمندسازی افراد می‌شود. ظرفیت‌سازی جوامع یک رویکرد نظام مند و برنامه‌ریزی شده است که اغلب در ارتباط با برنامه یا یک پروژه خاص است که اغلب مقیاس زمانی مشخصی دارد و می‌تواند دربرگیرنده ارتقا مهارت‌ها، دانش و اعتماد به نفس از طریق فرصت‌های آموزشی و مهارتی، شبکه‌سازی و مشارکت در گروه‌های حمایت اجتماعی محلی، بازدیدهای مقایسه‌ای، ارتقا ساختارهای سازمانی، سامانه‌ها و سازوکارهای مدیریت پروژه، کارکنان، ساختمان‌ها و... باشد [۵]. در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، تجارب فراوانی از مدل‌ها و راهبردهای اجرایی به چشم می‌خورد که در مسائلی همچون مشارکت اجتماعات محلی، برنامه‌ریزی اجتماعی، نیازسنجی، شکل‌گیری و توسعه اجتماعات محلی، ایجاد سرمایه اجتماعی و انسانی به کار گرفته می‌شوند. در ادامه به برخی از این مدل‌ها اشاره می‌شود [۶]:

۱. **ظرفیت‌سازی به مثابه چتر**: ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی اغلب به عنوان جزئی از پروژه کلی ظرفیت‌سازی در نظر گرفته می‌شود که سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ برچسب نظریه چتر را

برای آن مطرح کرد. در زیر این چتر ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی با سایر اشکال ظرفیت‌سازی همچون ظرفیت‌سازی سازمانی، فنی و زیرساختی وابستگی و ارتباط متقابل دارد.

۲. **مدل فاسترو فیشمن**^۸: بر یک جنبه خاص از ظرفیت‌سازی در مشارکت جمعی تأکید داشته و با ارائه طرحی فرایند وقوع مشارکت تأثیرگذار را در سطوح ظرفیت اعضا، ظرفیت سازمانی، ظرفیت ارتباطی و ظرفیت برنامه‌ای نشان می‌دهد؛ بنابراین فعالیت در جهت ایجاد ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی در گرو توجه به ارتقای ظرفیت در هر سطح است.

۳. **ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی در ارتقای سلامت**: این مدل چارچوب ظرفیت‌سازی مختص بخش سلامت را در بر می‌گیرد. کریسپ^۹ و همکاران در توصیف ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی در سلامت، رویکرد سیستمی را در نظر گرفته و چهار رویکرد (سازمان‌دهی اجتماعات محلی، مشارکتی، پایین به بالای و بالا به پایین سازمانی) جهت فعالیت و تغییر بیان می‌کند [۷]. مؤسسه سلامت گلیدزویل^{۱۰} (۲۰۰۱)، طرح شناخته شده‌ای برای ظرفیت‌سازی در سلامت ایجاد نمود که سه حوزه فعالیت توسعه (سازمانی، نیروی کار و تخصیص منابع) را به تصویر می‌کشد.

مدیریت بحران اجتماع محور

واژه بحران بیش از پنج قرن پیش مطرح شد و اولین ساختار رسمی مقابله با بحران در جهان به قرن هفدهم بازمی‌گردد. بحران را می‌توان حادثی دانست که در اثر بلایای طبیعی و انسانی رخ می‌دهند و با خود خسارات جانی و مالی به دنبال دارند. مدیریت بحران اصطلاحی است که همه جنبه‌های برنامه‌ریزی برای بحران و مرتبط با بحران شامل فعالیت‌های قبل، حین و پس از بحران را در برمی‌گیرد و در واقع پیشگیری، برنامه‌ریزی و ارزیابی برای کاهش و به حداقل رساندن عواقب احتمالی بحران‌هاست [۸]. مدیریت بحران به عنوان علمی تخصصی و کاربردی، مستلزم برخورداری از مهارت‌ها، ابزارها و عوامل گوناگونی است که آگاهی و دانش از مهم‌ترین این پایه‌ها و ملزومات می‌باشد. دانش شامل آگاهی و درک مجموعه‌ای از اطلاعات و چگونگی استفاده بهینه از آن‌هاست؛ به عبارت دیگر، دانش شکل غنی شده و بارور شده اطلاعات است که با درک چگونگی و چرایی همراه است. اجرای مراحل مدیریت بحران نیازمند داشتن آگاهی و ادراک متناسب با هر اقدامی است که به بهترین نحو مجموع اطلاعات موجود را بکار می‌گیرد [۹]. مدیریت بحران از سه مرحله اصلی قبل، حین و بعد از وقوع بحران تشکیل می‌شود که برای هر یک از این مراحل باید فعالیت‌هایی را دسته‌بندی کرد. متناسب با این مراحل سه‌گانه، چرخه‌ای برای فعالیت‌های مدیریت بحران در نظر گرفته شده است، در این چرخه فعالیت‌های پیشگیری و آمادگی، مربوط به قبل از وقوع بحران؛ مقابله مربوط به زمان وقوع بحران و بازسازی مربوط به زمان پس از وقوع بحران است. فرض بر این است که با هر بار وقوع سانحه، یک درجه آسیب‌پذیری کاهش یافته و در صورت تکرار این دور، رسیدن به آسیب‌پذیری بسیار پایین دور از انتظار نخواهد بود [۱۰]. هیچ الگوی واحدی وجود ندارد که

توانایی تحقیق در حوزه مدیریت بحران را هدایت کند. محققان ترجیح داده‌اند که هر کدام در رابطه با عنصر خاصی از بحران تحقیق کنند: میتراف و شریواستوا^{۱۱} بر حسابرسی بحران، اسکات دی جانسون^{۱۲} بر تعادل سازمانی در بحران، لجات^{۱۳} بر چرخه‌ای بودن بحران، میتراف و پیرسون^{۱۴} بر یادگیری قبل از بحران، نلسون و هالچر^{۱۵} بر گروه‌های مدیریت بحران، ترویت و کلی^{۱۶} بر برنامه‌های مدیریت بحران، ریلی^{۱۷} بر آمادگی در برابر بحران و ... متمرکز شده‌اند. به دلیل ماهیت متنوع، پیچیده، گسترده، مبهم و چند بعدی بحران‌ها، مدیریت بحران بسیار دشوار است. موضوع مدیریت بحران اجتماع محور در جریان دو دهه گذشته از کشورهای آسیای جنوب شرقی آغاز شد. پیشگامان استفاده از این رویکرد؛ سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات مردم نهاد و بخش‌های دولتی مسئول در کشورهای مختلف منطقه آسیای جنوب شرقی بودند که هدفشان افزایش پایداری و تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌ها بود. رویکرد اجتماع محور علاوه بر بهره‌جویی از آثار مثبت مشارکت و وفاق اجتماع محلی، به ایجاد نوعی حس تعلق بین افراد شریک در اجرای طرح‌ها منجر می‌شود [۱۱]. در این رویکرد مردم فعالانه در فرایند شناسایی خطرات ناشی از سوانح و بحران‌ها شرکت می‌کنند تا ضمن شناسایی مخاطرات، از میزان آسیب‌پذیری‌ها کاسته و ظرفیت‌های موجود را ارتقا بخشند. این بدان معنی است که مردم در بطن تصمیم‌گیری‌ها قرار داشته و در فعالیت‌های علمی و اجرایی مربوط به مدیریت بحران مشارکت دارند [۱۲]. بازیگران و دست‌اندرکاران معدودی در فرایند مدیریت بحران اجتماع محور وجود دارند و باید تأکید داشت ترکیب ایده‌آل این بازیگران و سازمان‌دهی آن‌ها بسته به شرایط و مقتضیات هر کشور متفاوت است. بر اساس ماهیت عملکردی، بازیگران و دست‌اندرکاران این فرایند به دو دسته عمده داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند [۱۳]. بازیگران داخلی ساکنان منطقه متأثر از بحران و بازیگران خارجی دپارتمان‌های دولتی، بنگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی را در برمی‌گیرد.

عامل فرهنگی

فرهنگ^{۱۷} از جمله واژگانی است که به دلیل تنوع و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن دارای تعاریف بسیاری است. افراد با توجه به نگرش خود به موضوع، تعریف خاصی را ارائه می‌دهند. برخی معتقدند فرهنگ مجموعه‌ای سازمان یافته از هنجارها، ارزش‌ها و قواعد است. رویکرد فرهنگی برای مدیریت بحران فرایندی نظام‌مند شامل دانش فرهنگی و همچنین دربرگیرنده آگاهی، حساسیت، نگرش‌ها، مهارت‌ها و برخوردها به منظور انجام روش‌های مؤثر برای مراقبت، امداد، حمایت، خدمت‌رسانی به جوامع بحران دیده است. تفاوت‌های فرهنگی در بحران‌ها قابل توجه هستند. هر بحرانی، صرف‌نظر از نوع، اندازه، علت و مکان می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر افراد و جوامع داشته و فرهنگ افراد نیز می‌تواند بر ناپایداری وضعیت اثرگذار باشد. علاوه بر این مسائلی از قبیل سنین مختلف، وضعیت تأهل، تجربیات و توانایی‌های افراد درگیر بحران در جامعه نیز می‌تواند بر آن مؤثر باشد [۱۴]. اگر تفاوت‌های فرهنگی شناسایی نشوند، ممکن است

باعث ایجاد درگیری و جلوگیری از هماهنگی میان ذی‌نفعان در شرایط بحران شود [۱۵]. به‌طورکلی وجود درک نادرست فرهنگی می‌تواند فرایند امداد رسانی را به تأخیر انداخته و موجب وخیم‌تر شدن اوضاع شود؛ به عنوان مثال، در صورت ارائه خدمات و برنامه‌های بحران فقط به زبان انگلیسی، سایر اقلیت‌های زبانی در جامعه آسیب دیده ممکن است نیازهایشان برآورده نشود. در نتیجه آسیب‌پذیری اولیه مردم در این فاجعه افزایش می‌یابد؛ بنابراین انتخاب روش‌های انطباقی مناسب با توجه به عوامل فرهنگی حاکم بر منطقه بحران دیده می‌تواند منجر به بهبود کیفیت و اثربخشی مدیریت بحران شود با توجه به تأثیر بالای عوامل فرهنگی، وجود یک رویکرد فرهنگی مؤثر برای مدیریت بحران امری ضروری است [۱۶]. رویکرد فرهنگی مناسب ضمن تشویق یادگیری مداوم، ارتباط و هماهنگی میان ذی‌نفعان مختلف را افزایش می‌دهد. تنش یا درگیری بین گروه‌های فرهنگی مختلف ممکن است با ایجاد اختلال در تعامل و ارتباطات بین گروه‌ها، شرایط بحران‌های آینده را تشدید کند. برای به حداقل رساندن یا جلوگیری از تأثیرات منفی درگیری‌های ناشی از اختلافات فرهنگی افراد در آینده، آموزش صلاحیت‌های فرهنگی برای متخصصان مدیریت بحران امری ضروری است [۱۴].

پیشینه تحقیق

کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار با روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد اجتماع محور، کاستی‌های رویکرد بالا به پایین را که در ارائه نیازهای محلی به دلیل غفلت از منابع بومی و ظرفیت‌ها شکست خورده است، ندارد و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری مردم، اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است. اصلاتی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان تأثیر ابعاد بازسازی محلات بر التیام پیامدهای اجتماعی و روانی، پس از زلزله ۱۳۸۲ بم انجام دادند. این مقاله با رویکرد کمی و از طریق تدوین پرسشنامه در دو بخش ارزیابی ابعاد مختلف بازسازی محله پرسشنامه استاندارد اختلال استرس پس از حادثه و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن انجام شده است. براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، رابطه‌ای معنادار و معکوس بین ابعاد مختلف بازسازی محله و پیامدهای اجتماعی روانی ناشی از زلزله وجود دارد؛ بنابراین با افزایش کیفیت و تاب‌آوری بازسازی کالبدی، پیامدهای اجتماعی روانی پس از زلزله نیز کاهش می‌یابد. مهدیه (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران به این نتایج رسید که همبستگی معناداری بین مشارکت مردمی و عملکرد مدیریت بحران وجود دارد. همچنین مشارکت مردمی تأثیر مستقیم و مثبتی بر عملکرد مدیریت بحران دارد. محمدی فر و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان طراحی مدل بومی مدیریت بحران سوانح گسترده طبیعی (مورد مطالعه: زلزله کرمانشاه) انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که توجه به حجم و گستردگی خسارات جانی و مالی، نیاز به سازمان دهی مناسب، ضرورت تسریع در امداد، ضرورت

هماهنگی بین نیروهای مردمی و نهادهای دولتی و نیاز به نظارت، کنترل و حفظ نظم عمومی مجموعاً پدیده محوری مدل یعنی مدیریت بحران وقایع گسترده طبیعی را ایجاد می‌کند که این پدیده متأثر از فرهنگ، زیرساخت‌ها و تأسیسات عمومی خاص آن منطقه بوده و عواملی چون نیروی انسانی آموزش دیده، تجهیزات و امکانات تخصصی بحران و رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری آن مداخله دارند. توکاکیس^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت بحران در مدیریت عمومی برای حوادث ایمنی، در مرحله پیش، حین و پس از بحران با استفاده از روش پرسشنامه به این نتایج رسیدند که توانایی رهبر و اعضای تیم مدیریت بحران در تصمیم‌گیری صحیح و همچنین ارتباطات داخلی و خارجی، پیش‌بینی کننده مراحل مدیریت بحران است و همچنین در جریان مدیریت بحران باید به فرایندهای ساختاری و فرهنگی توجه کرد. آرنولد^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین درک خطر و عوامل فرهنگی در سوانح طبیعی و انسانی به این نتیجه رسیدند که ادغام ارزش‌های محلی مشترک، تجارب روزمره مشترک و خاطرات محلی مشترک در راهبردهای مرتبط با ریسک و دستورالعمل‌های رفتاری ممکن است در ترغیب آمادگی شهروندان در برابر بلایا مؤثر باشد. نوردمن و هومانسون^{۲۰} (۲۰۱۷)، در مطالعه خود به بررسی راهبردهای فوق فعال مدیریت بحران پرداخته و به این نتیجه رسیدند که آگاهی از بحران و آمادگی برای بحران تأثیر مستقیمی بر اقدامات مدیریت آن دارد ولی عوامل دیگری از قبیل فرهنگ سازمانی، آموزش کارکنان و ارتباطات نیز در این زمینه تأثیرگذار هستند. حسینی^{۲۱} و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با هدف بررسی چالش‌های مدیریت بحران اجتماع محور در کاهش خطر بلایا به این نتیجه رسیدند که عدم توجه کافی به ماهیت کاهش یا افزایش روند خطر، تاب‌آوری ناکافی جامعه، نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی آموزشی بد و نامناسب در جریان فرایند مدیریت بحران تأثیرگذار خواهند بود.

روش تحقیق و ابزارها

در مرحله نخست این پژوهش از روش فراترکیب برای بررسی پژوهش‌های گذشته و تفسیر آن‌ها استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را استفاده می‌کند. مرحله دوم پژوهش، از روش میدانی در جمع‌آوری اطلاعات جهت پاسخ‌گویی و اعتبارسنجی مدل پیشنهادی تحقیق بهره گرفته است. در بخش میدانی از دو پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه شماره ۱ پژوهش با هدف سنجش و اعتباریابی مدل اولیه تحقیق در خصوص مدیریت بحران اجتماع محور با اولویت عوامل فرهنگی در ۳ بعد (قبل، حین و پس از بحران)، ۱۱ مؤلفه (آموزش و آگاهی، سرمایه اجتماعی فرهنگی، سرمایه معنوی، مشارکت نظری، ارتباطات، مشارکت عملی، مدیریت احساسات مردم، مشارکت اجتماعی، هویت بخشی، خاطرات جمعی و رسانه جمعی) و ۵۴ شاخص طراحی شد. با استفاده از این پرسشنامه، نظر کارکنان

استانداری استان کرمان در مورد هر یک از عوامل مؤثر در مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی پرسیده شد. جامعه آماری پرسشنامه اول کلیه کارکنان استانداری استان کرمان ۱۷۰ نفر است. برای نمونه‌گیری نیز از فرمول کوکران استفاده و تعداد ۱۲۶ نفر از کارکنان انتخاب و پرسشنامه تحقیق بین آن‌ها توزیع شد؛ که در نهایت ۱۱۸ پرسشنامه بازگردانده شد. همچنین به منظور وزن‌دهی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با استفاده از روش سوآرا پرسشنامه شماره ۲ طراحی و بین ۱۵ نفر از کارشناسان ستاد مدیریت بحران استانداری استان کرمان توزیع شد؛ در این پرسشنامه با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه اول تحقیق، شاخص‌های نهایی حاصل، مورد ارزیابی کارشناسان ستاد مدیریت بحران به عنوان جامعه نمونه قرار گرفت و در نهایت به منظور تعیین اولویت آنها با استفاده از تکنیک سوآرا درصد اهمیت هر شاخص نسبت به شاخص قبل از خود سنجیده شد. به منظور سنجش روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه در اختیار خبرگان دانشگاهی قرار گرفت و با توجه به نظرات آن‌ها تغییرات لازم انجام و در پرسشنامه نهایی اعمال شد. از آنجایی که در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده می‌شود؛ جهت اطمینان از سنجش خصیصه مورد نظر به وسیله پرسش‌های مطرح شده، از روایی سازه نیز استفاده و در محیط نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس، به بررسی آن پرداخته شد. روایی شاخص‌های پژوهش نیز تأیید و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ به منظور بررسی پایایی نیز استفاده و ضریب پایایی ۰/۹۲۴ برآورد شد.

بحث و نتایج

برای شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی از روش فراترکیب استفاده شد. این روش دارای هفت گام است که در ادامه خلاصه‌ای از فعالیت‌های انجام شده در این پژوهش برای هر گام بیان می‌شود.

گام اول (تنظیم سؤال پژوهش): ۱- ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی چه هستند؟ ۲- رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی چگونه است؟ ۳- آیا مدل استخراج شده از اعتبار مناسبی برخوردار است؟

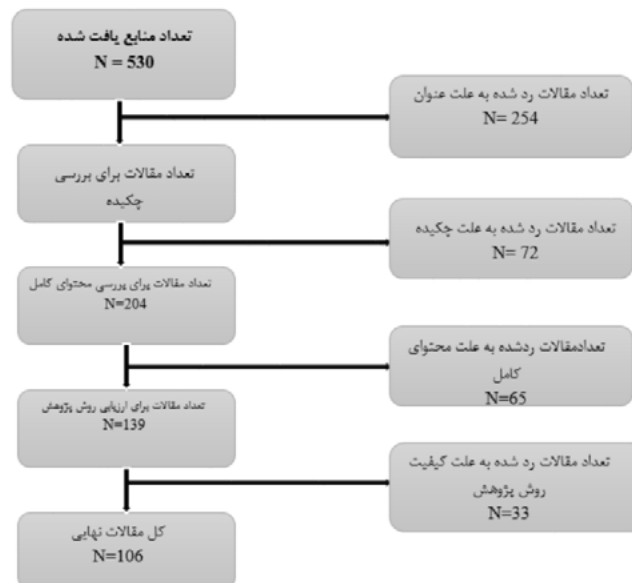
گام دوم (بررسی نظام مند متون): جستجو و بررسی مقالات بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ با استفاده از واژگان کلیدی ظرفیت‌سازی جوامع محلی، مدیریت بحران، مدیریت بحران اجتماع محور، عوامل فرهنگی مؤثر در بحران، در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، مگ ایران، پرتال جامع علوم انسانی، اسکاپوس، امرالد، ساینس دایرکت، اشپرنگر و در نهایت رسیدن به ۵۳۰ مقاله.

گام سوم (جستجو انتخاب مقالات مناسب): غربال کردن ۵۳۰ مقاله یافت شده با پارامترهای مختلفی نظیر عنوان، چکیده، محتوا، روش و در نهایت رسیدن به ۱۰۶ مقاله جهت انجام ادامه مراحل روش فراترکیب (تصویر ۱).

گام چهارم (استخراج نتایج): مقاله‌ها براساس مرجع مربوطه شامل نام و خانوادگی نویسنده و سال انتشار مقاله طبقه‌بندی شدند. با توجه به اهداف و عنوان پژوهش، کدهایی که از اهمیت چندانی در پژوهش‌های سابق برخوردار نبودند حذف شده و همچنین به دلیل قرابت معنایی برخی از کدها و تنها تفاوت در لفظ آن‌ها ادغام و به صورت مشترک آورده شدند. کدها و برخی از منابعشان در جدول ۱ ارائه شده است.

گام پنجم (تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی): در این پژوهش ابتدا برای تمامی عوامل استخراج شده کدی در نظر گرفته شده است، سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، هر کدام در مفهومی مشابه دسته‌بندی و به این ترتیب مفاهیم پژوهش مشخص گردید. نتایج این طبقه‌بندی در جدول ۱ ارائه شده است.

گام ششم (کنترل کیفیت): زمانی که دورتبه‌دهنده، پاسخگویان را رتبه‌بندی می‌کنند، برای ارزیابی میزان توافق بین این دو



تصویر ۱. الگوریتم انتخاب مقاله‌های نهایی مورد بررسی در پژوهش حاضر

جدول ۱. مقوله‌بندی کدهای پژوهش

ابعاد	مؤلفه	کد	برخی از منابع کدها	
آموزش و آگاهی	آموزش عمومی		قلی گله (۱۳۹۷)، فلاح آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، نوردمن و هومانسون (۲۰۱۸) و حسینی و همکاران (۲۰۱۷)	
	ادغام دانش بومی و علمی		صادقلو و همکاران (۱۳۹۶)، لیزارآلده (۲۰۲۰)، آرنولد (۲۰۱۸)، کادک و گایلارد (۲۰۱۲) و کالاندا و همکاران (۲۰۱۱)	
	ارتقای آگاهی‌های مردمی		قلی گله (۱۳۹۷)، مارسکوله و همکاران (۲۰۱۸)، نوردمن و هومانسون (۲۰۱۸)، روی و همکاران (۲۰۱۶)	
	شبیه سازی بحران‌ها		فهرودین (۲۰۱۲)، رجبی و همکاران (۱۳۹۴)، دانشمندی و همکاران (۱۳۹۳) و حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)	
	برگذاری کارگاه‌های آموزشی		فلاح آبادی و همکاران (۱۳۹۲)، حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، رجبی و همکاران (۱۳۹۴) و ظفری و ویسی (۱۳۹۰)	
	رسانه جمعی		مهدیه (۱۳۹۹)، محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۹)، رجبی و همکاران (۱۳۹۴)، دانشمندی و همکاران (۱۳۹۳) و ظفری و ویسی (۱۳۹۰)	
	اعتماد اجتماعی		عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۹)، آروین و همکاران (۱۳۹۶)	
	انسجام اجتماعی		عنابستانی و همکاران (1390)، محمدی‌فر و همکاران (1399)، آروین و همکاران (1396)، تاسیک و امیر (2016) و باندراری (2014)	
	سرمایه اجتماعی و فرهنگی	شبکه اجتماعی		حسینی و همکاران (۲۰۱۷)، برنو (۲۰۱۷)، تاسیک و امیر (۲۰۱۶)، باندراری (۲۰۱۴)، ماسبور (۲۰۰۷) و کولمن (۲۰۱۶)
		همیاری		عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، برنو و همکاران (۲۰۱۷)، بی‌تو و همکاران (۲۰۱۷)، لوسینی (۲۰۱۴) و آلزی و جکسون (۲۰۱۰)
تعهد			عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، برنو و همکاران (۲۰۱۷)، بی‌تو و همکاران (۲۰۱۷)، جاگیا و همکاران (۲۰۱۴) و آلزی و جکسون (۲۰۱۰)	
تساهل و تسامح			عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، برنو و همکاران (۲۰۱۷)، بی‌تو و همکاران (۲۰۱۷) و آلزی و جکسون (۲۰۱۰)	
همدلی اجتماعی			کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)، انور حسین (۲۰۱۲)، ظفری و ویسی (۱۳۹۰) و عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)	
اعتقادات و باورها نسبت به مشارکت			مهدیه (۱۳۹۹)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، عزیزپور و همکاران (۱۳۹۴) و پارسیزاده (۲۰۱۵)	
واحد همسایگی			عاشوری و همکاران (۱۳۹۷) و حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)	
مشارکت نظری		اهمیت نقش مردم		عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، عزیزپور و همکاران (۱۳۹۴)، حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)
		مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی		انور حسین (۲۰۱۲)، ظفری و ویسی (۱۳۹۰)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)
		توجه به تعلیم و تربیت مشارکت جوانه		مهدیه (۱۳۹۹)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، ازکیا (۱۳۸۰)، اوکلی و همکاران (۱۳۹۲)، زاهدی اصل و همکاران (۱۳۸۹) و فینکل (۲۰۰۹)
	امیدواری		ساعی و همکاران (۱۳۹۳)، اجیزی و پنجوانی (۲۰۱۵)، آلن و کولینس (۲۰۱۰)، علوی و همکاران (۱۳۹۴) و اندرسون و لوییز (۲۰۰۹)	
	سازگاری		ظفری و ویسی (۱۳۹۰)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، علوی و همکاران (۱۳۹۴)، اندرسون و لوییز (۲۰۰۹) و بانکوف (۲۰۰۴)	
	سرمایه معنوی	احساس دگرخواهی		ساعی و همکاران (۱۳۹۳)، اجیزی و پنجوانی (۲۰۱۵)، ظفری و ویسی (۱۳۹۰) و عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)
		تائیدگذاری		لی و همکاران (۲۰۱۸)، ساعی و همکاران (۱۳۹۳)، اجیزی و پنجوانی (۲۰۱۵)، آلن و کولینس (۲۰۱۰) و علوی و همکاران (۱۳۹۴)
		خودآگاهی		ساعی و همکاران (۱۳۹۳)، ظفری و ویسی (۱۳۹۰)، عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، اجیزی و پنجوانی (۲۰۱۵) و آلن و کولینس (۲۰۱۰)

جدول ۱. مقوله‌بندی کدهای پژوهش

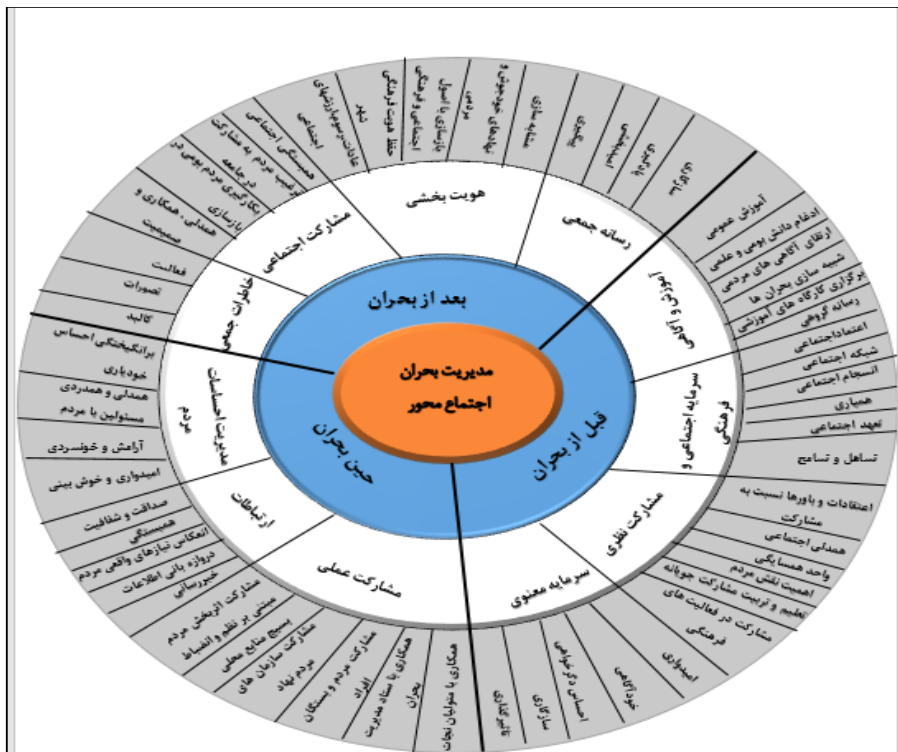
ابعاد	مؤلفه	کد	برخی از منابع کدها
حین بحران	مشارکت عملی	بسیج منابع محلی و استفاده از نیروهای داوطلب	زرین (۱۳۹۹)، عضدی و میرزایی (۱۳۹۳)، حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)، جانسون و همکاران (۲۰۱۸)، انور حسین (۲۰۱۲) و مگیس (۲۰۱۰)
		همکاری با مسئولان ستاد بحران	تولغان و ازگور (۲۰۱۶)، سرکار و همکاران (۲۰۱۳)، انور حسین (۲۰۱۲)، پاترسون و همکاران (۲۰۱۰) و حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)
		همکاری با متولیان نجات	جانسون و همکاران (۲۰۱۸)، انور حسین (۲۰۱۲)، مگیس (۲۰۱۰)، آلن (۲۰۰۶)، حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳) و ظفری و ویسی (۱۳۹۰)
		مشارکت سازمان‌های مردم نهاد	تولغان و ازگور (۲۰۱۶)، سرکار و همکاران (۲۰۱۳) و انور حسین (۲۰۱۲)
		مشارکت اثربخش مردم	زرین (۱۳۹۹)، عضدی و میرزایی (۱۳۹۳)، حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)، نوراللهی (۱۳۹۲) و دوست محمدی و غضنفرپور (۱۳۹۲)
	ارتباطات	مشارکت افراد و بستگانشان	جانسون و همکاران (۲۰۱۸)، انور حسین (۲۰۱۲)، مگیس (۲۰۱۰)، آلن (۲۰۰۶)، حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳) و ظفری و ویسی (۱۳۹۰)
		خبررسانی	مهدیه (۱۳۹۹)، درودی و سپهری فر (۱۳۹۸)، کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶)، حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹) و لاورلی (۲۰۰۴)
		دروازه بانی اطلاعات	کلافت و همکاران (۲۰۱۸)، حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹)، هیسادا (۲۰۰۷)، مهدیه (۱۳۹۹)، درودی و سپهری فر (۱۳۹۸)، کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶) و حسینی و پیشنمازی (۱۳۸۹)
		همبستگی	کلافت و همکاران (۲۰۱۸)، درودی و سپهری فر (۱۳۹۸) و کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶)
		صدافت و شفافیت	درودی و سپهری فر (۱۳۹۸)، کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶)، مهدیه (۱۳۹۹)، درودی و سپهری فر (۱۳۹۸) و کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶)
پس از بحران	مدیریت احساسات مردم	انعکاس نیازهای واقعی مردم	کارو (۲۰۱۶)، ازگان (۲۰۱۳) و کادک و گایلارد (۲۰۱۲)
		همدلی و همدردی با مردم	براسی و کرایت (۲۰۲۰)، آی و همکاران (۲۰۱۳)، ازگان (۲۰۱۳)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، پرتوی و همکاران (۱۳۹۵) و آنتون و لاورنس (۲۰۱۴)
		امیدواری و خوش بینی	ریچاردلی و همکاران (۲۰۱۸)، گیانیسا و لی (۲۰۱۸)، لوسینی (۲۰۱۴)، آی و همکاران (۲۰۱۳) و ازگان (۲۰۱۳)
		آرامش و خونسردی	اصلائی و همکاران (۱۳۹۹)، فلاحی و اصلائی (۱۳۹۴)، اسدی و شرقی (۱۳۹۸) و استفان (۲۰۱۰)
		احساس خودیاری	فوریس و همکاران (۲۰۱۷)، جاگیا و همکاران (۲۰۱۴)، آی و همکاران (۲۰۱۳) و لک (۱۳۹۴)
	خاطرات جمعی	کالبد	گیانیسا و لی (۲۰۱۸)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۹) و فلاحی و اصلائی (۱۳۹۴)
		تصورات	حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)، ایر و همکاران (۲۰۱۳)، انور حسین (۲۰۱۲)، کریمی و تقی لو (۱۳۹۹) و قدیری و همکاران (۱۳۹۴)
		فعالیت	ایرو و همکاران (۲۰۱۳)، آرمیتیچ (۲۰۰۵)، اوستی (۲۰۰۸) و گاله آ و همکاران (۲۰۰۵)
		همبستگی اجتماعی	ایرو و همکاران (۲۰۱۳)، آرمیتیچ (۲۰۰۵) و کاندیدو و سانتوس (۲۰۱۵)
		ترغیب مردم به مشارکت در جامعه	حیدری و ابراهیمی نژاد (۱۳۹۳)، ایر و همکاران (۲۰۱۳) و انور حسین (۲۰۱۲)
مشارکت اجتماعی	استفاده از مردم بومی در فرایند بازسازی	تقویت همدلی، همکاری و صمیمیت در بین مردم	سیمونزو و آلسگف (۲۰۱۵)، هانسون (۲۰۱۱)، سربیان و همکاران (۲۰۰۶)، فلیشر و دیوید (۲۰۰۹)، دولف و همکاران (۲۰۱۵)، لوکازاوسکی (۲۰۰۰) و کاتر (۲۰۰۸)
		پیگیری	سیمونزو و آلسگف (۲۰۱۵)، خجسته (۱۳۸۴)، لوکازاوسکی (۲۰۰۰)، کاتر (۲۰۰۸)، بیابانگرد و همکاران (۱۳۹۴) و دیاغ (۱۳۹۶)
		امیدبخشی	سیمونزو و آلسگف (۲۰۱۵)، هانسون (۲۰۱۱)، لوکازاوسکی (۲۰۰۰)، کاتر (۲۰۰۸)، بیابانگرد و همکاران (۱۳۹۴) و دیاغ (۱۳۹۶)
		یادگیری	درودی و سپهری فر (۱۳۹۸)، کاوکیپنگ و همکاران (۲۰۱۶) و مهدیه (۱۳۹۹)
		کمک به سازگاری	حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)، احمدی (۱۳۸۵)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۹) و انارسون (۲۰۰۰)
	رسانه جمعی	عادات، رسوم، ارزشهای اجتماعی	اصلائی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۴) و حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)
		حفظ هویت فرهنگی شهر	اصلائی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۴)، حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)
		نهادهای خودجوش و مردمی	ساندلوسکی (۱۹۹۵)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۹)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۴) و حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)
		بازسازی مطابق با اصول اجتماعی و فرهنگی منطقه	اصلائی و همکاران (۱۳۹۹)، لویکا (۲۰۰۸)، اصلائی و همکاران (۱۳۹۴) و حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)
		مشابه سازی	

رتبه‌دهنده از شاخص کاپای کوهن استفاده می‌شود. با استفاده از نرم‌افزار SPSS عدد معناداری ۰/۰۰۰ و مقدار شاخص ۰/۷۱۷ محاسبه شد. با توجه به کوچک‌تر بودن عدد معناداری از ۰/۰۵ فرض استقلال کدهای استخراجی رد می‌شود. پس می‌توان ادعا کرد که استخراج کدها پایایی مناسبی داشته است.

گام هفتم (ارائه یافته‌ها): ۱۰۶ مقاله انتخاب شده از سوی پژوهشگر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و اطلاعات مورد نیاز براساس هدف این پژوهش شناسایی شد. ترکیب یافته‌ها در سه بعد و ۱۱ مؤلفه و ۵۴ شاخص ارائه شد (تصویر ۲).

رتبه‌بندی و وزن‌دهی به شاخص‌های پژوهش با روش آنتروپی شانون

برای تحلیل داده‌های کیفی از روش آنتروپی شانون استفاده شده است که رویکردی نو به تحلیل داده‌ها در حیطه تحلیل محتوا است. با استفاده از این روش می‌توان میزان پشتیبانی تحقیقات پیشین از یافته‌های این پژوهش را به صورت آماری نشان داد. برای این منظور کفایت که محتوای حاصل از پیام برحسب مقوله‌ها با توجه به هر مقاله در قالب فراوانی شمارش شود [۲۴]. برای محاسبه وزن هر یک از مفاهیم به محاسبه مجموع وزن کدهای آن مفهوم پرداخته شد و بر اساس وزن‌های به‌دست آمده در جدول ۲ رتبه‌بندی صورت گرفته است.



تصویر ۲. مدل برگرفته از یافته‌های کیفی پژوهش (محقق ساخته)

جدول ۲. رتبه‌بندی و ضریب اهمیت کدهای مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت W_j	عدم اطمینان E_j	فراوانی	کد	مفاهیم
۳	۱	۰۰۳۲۷	۰۰۷۲۱۵	۲۷	آموزش عمومی	آموزش و آگاهی
۱۳	۵	۰۰۲۳۵	۰۰۵۳۰۱	۱۱	ادغام دانش بومی و علمی	
۱۴	۶	۰۰۲۲۱	۰۰۵۲۰۴	۱۰	برگزاری کارگاه‌های آموزشی	
۱۲	۴	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۰۱	۱۲	شبیه‌سازی بحران‌ها	
۵	۲	۰۰۲۹۷	۰۰۶۶۲۳	۲۰	رسانه جمعی	
۸	۳	۰۰۲۷۵	۰۰۶۱۲۹	۱۶	ارتقای آگاهی‌های مردمی	
۱۷	۴	۰۰۱۹۲	۰۰۴۳۰۲	۷	اعتماد اجتماعی	سرمايه اجتماعي و فرهنگي
۱۴	۳	۰۰۲۲۱	۰۰۵۲۰۴	۱۰	انسجام اجتماعی	
۱۰	۲	۰۰۲۶۲	۰۰۵۸۳۴	۱۴	شبکه اجتماعی	
۱۸	۵	۰۰۱۷۷	۰۰۳۹۶۱	۶	همیاری	
۹	۱	۰۰۲۶۸	۰۰۵۹۸۷	۱۵	تعهد	تساهل و تسامح
۲۰	۶	۰۰۱۳۷	۰۰۳۰۶۴	۴	تساهل و تسامح	

جدول ۲. رتبه‌بندی و ضریب اهمیت کدهای مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت W_j	عدم اطمینان E_j	فراوانی	کد	مفاهیم	
۱۵	۵	۰۰۲۱۸	۰۰۴۸۵۸	۹	همدلی اجتماعی	مشارکت نظری	
۱۲	۳	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۰۱	۱۲	اعتقادات نسبت به مشارکت		
۱۱	۲	۰۰۲۵۴	۰۰۵۶۷۰	۱۳	واحد همسایگی		
۱	۱	۰۰۳۵۰	۰۰۷۷۹۶	۳۴	اهمیت نقش مردم		
۱۵	۵	۰۰۲۱۸	۰۰۴۸۵۸	۹	مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی		
۱۳	۴	۰۰۲۳۵	۰۰۵۳۰۱	۱۱	تعلیم و تربیت مشارکت جویانه		
۱۸	۴	۰۰۱۷۷	۰۰۳۹۶۱	۶	امیدواری		
۱۷	۳	۰۰۱۹۲	۰۰۴۳۰۲	۷	خودآگاهی		
۱۸	۴	۰۰۱۷۷	۰۰۳۹۶۱	۶	دگرخواهی		
۱۴	۲	۰۰۲۲۱	۰۰۵۲۰۴	۱۰	تاثیرگذاری		
۱۲	۱	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۰۱	۱۲	سازگاری	سرمایه معنوی	
۱۵	۵	۰۰۲۱۸	۰۰۴۸۵۸	۹	همکاری با ستاد بحران		
۱۳	۴	۰۰۲۳۵	۰۰۵۳۰۱	۱۱	همکاری با متولیان نجات		
۱۱	۳	۰۰۲۵۴	۰۰۵۶۷۰	۱۳	مشارکت مردم و بستگان‌شان		
۲	۱	۰۰۴۰۱	۰۰۷۸۲۵	۳۰	مشارکت سازمان‌های مردم نهاد		
۱۰	۲	۰۰۲۶۲	۰۰۵۸۳۴	۱۴	مشارکت اثربخش مبتنی بر نظم		
۱۳	۴	۰۰۲۳۵	۰۰۵۳۰۱	۱۱	بسیج منابع محلی و استفاده از نیروهای داوطلب		
۱۱	۴	۰۰۲۵۴	۰۰۵۶۷۰	۱۳	خبررسانی		
۷	۲	۰۰۲۷۷	۰۰۶۲۹۰	۱۷	دروازه‌بانی اطلاعات		
۱۵	۵	۰۰۲۱۸	۰۰۴۸۵۸	۹	همبستگی		ارتباطات
۹	۳	۰۰۲۶۸	۰۰۵۹۸۷	۱۵	صداقت و شفافیت		
۶	۱	۰۰۲۸۷	۰۰۶۳۹۰	۱۸	انعکاس نیازهای واقعی مردم		
۱۴	۳	۰۰۲۲۱	۰۰۵۲۰۴	۱۰	ترویج امیدواری و خوش بینی		
۱۱	۱	۰۰۲۵۴	۰۰۵۶۷۰	۱۳	حفظ آرامش و خونسردی		
۱۲	۲	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۹۴	۱۲	همدردی و همدلی مسئولین		
۱۹	۴	۰۰۱۴۷	۰۰۳۱۶۴	۵	احساس خودیاری		
۱۷	۱	۰۰۱۹۲	۰۰۴۳۰۲	۷	کالبد		
۲۰	۲	۰۰۱۳۷	۰۰۳۰۶۴	۴	فعالیت	خاطرات جمعی	
۲۰	۲	۰۰۱۳۷	۰۰۳۰۶۴	۴	تصورات		
۱۲	۴	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۹۴	۱۲	همبستگی اجتماعی		
۹	۳	۰۰۲۶۸	۰۰۵۹۸۷	۱۵	ترغیب مردم به مشارکت		
۶	۲	۰۰۲۸۷	۰۰۶۳۹۰	۱۸	استفاده از مردم بومی در بازسازی		
۴	۱	۰۰۳۲۵	۰۰۶۷۲۳	۲۱	همدلی همکاری و صمیمیت		
۷	۱	۰۰۲۷۷	۰۰۶۲۹۰	۱۷	پیگیری		
۱۴	۴	۰۰۲۲۱	۰۰۵۲۰۴	۱۰	امیدبخشی		رسانه جمعی
۱۱	۲	۰۰۲۵۴	۰۰۵۶۷۰	۱۳	یادگیری		
۱۳	۳	۰۰۲۳۵	۰۰۵۳۰۱	۱۱	سازگاری		
۱۶	۳	۰۰۲۹۲	۰۰۴۴۰۲	۸	عادات رسوم و ارزشها		
۱۲	۱	۰۰۲۴۷	۰۰۵۴۹۴	۱۲	حفظ هویت فرهنگی شهر		
۱۵	۲	۰۰۲۱۸	۰۰۴۸۵۸	۹	نهادهای خودجوش مردمی	هویت بخشی	
۱۹	۴	۰۰۱۴۷	۰۰۳۱۶۴	۵	بازسازی مطابق با اصول فرهنگی و اجتماعی		
۱۹	۴	۰۰۱۴۷	۰۰۳۱۶۴	۵	مشابه سازی		

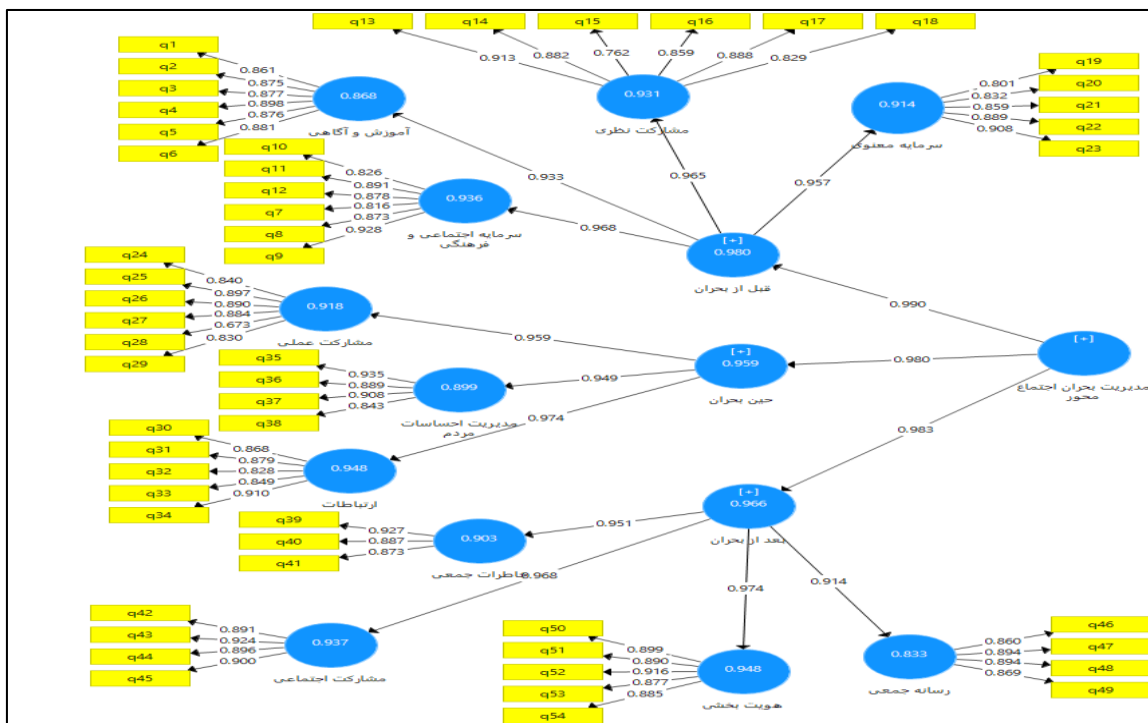
روش سوآرا

در بخش سوم تحقیق پس از اطمینان از مطلوبیت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی، مجدداً این ابعاد و مؤلفه‌ها توسط خبرگان و متخصصان اولویت بندی می‌شوند. پس از رتبه‌بندی عوامل، پرسشنامه شماره ۲ تحقیق با هدف تعیین اهمیت و وزن دهی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش بین ۱۵ نفر از متخصصان و کارشناسان حوزه مربوطه توزیع شد؛ در ادامه به نتایج حاصل از وزن عناصر و شاخص‌های پژوهش با روش سوآرا اشاره می‌شود.

محاسبه وزن نهایی مؤلفه‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فرهنگی نشان می‌دهد که به اعتقاد کارشناسان حوزه استانداری استان کرمان به عنوان پاسخ دهنده به پرسشنامه شماره ۲ تحقیق؛ مؤلفه آموزش و آگاهی با وزن نهایی ۴۲ درصد، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه مؤثر در مدیریت بحران اجتماع محور شناسایی شده است و مؤلفه‌های مشارکت عملی با ۳۵ درصد، مشارکت اجتماعی با وزن ۲۷ درصد، ارتباطات با وزن ۲۵ درصد، مشارکت نظری با وزن ۲۳ درصد، رسانه جمعی با وزن ۲۰ درصد، مدیریت احساسات مردم با وزن ۱۷ درصد، سرمایه اجتماعی و فرهنگی با وزن ۱۳ درصد، هویت بخشی، سرمایه معنوی و خاطرات جمعی با وزن ۹، ۷ و ۵ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. بررسی اوزان شاخص‌های پژوهش نیز نشان داد که شاخص‌های آموزش عمومی، شبکه اجتماعی، اهمیت نقش مردم، سازگاری، مشارکت اثربخش مردمی مبتنی بر نظم و انضباط، انعکاس نیازهای واقعی مردم، حفظ آرامش و خونسردی، همکاری همدلی و صمیمیت، توجه به عادات و رسوم و ارزش‌های اجتماعی حائز بالاترین رتبه شدند.

بر اساس ضرایب به دست آمده در جدول ۲ مشخص شد که کدهای اهمیت نقش مردم، مشارکت سازمان‌های مردم نهاد، آموزش عمومی، همدلی، همکاری و صمیمیت، رسانه جمعی در آموزش، انعکاس نیازهای واقعی مردم توسط رسانه جمعی حین بحران، به‌کارگیری مردم بومی در فرایند بازسازی، نقش پیگیری رسانه‌های جمعی بعد از بحران، ارتقای آگاهی‌های مردمی، ترغیب مردم به مشارکت، صداقت و شفافیت رسانه‌ها، تعهد و شبکه اجتماعی دارای بیشترین ضریب اهمیت هستند و بالاترین رتبه‌ها را در کل کسب کرده‌اند؛ یعنی در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور این موضوعات بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته و تکرارپذیری بیشتری نسبت به سایر کدها داشته‌اند.

در مرحله دوم به منظور اعتبار یابی مدل پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی و الگوسازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس (نسخه ۲) مورد استفاده قرار گرفت. خروجی تحلیل شکل ۳، عاملی تأییدی در حالت تخمین استاندارد را نشان می‌دهد. در حالت تخمین استاندارد بارهای عاملی نمایش داده می‌شوند. هر چه بارهای عاملی بزرگتر و به عدد ۱ نزدیکتر باشند یعنی مؤلفه بهتر می‌تواند متغیر مکنون یا پنهان را تبیین نماید. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول و اگر بیشتر از ۰/۶ باشد، خیلی مطلوب است. مطابق با شکل ۳، بار عاملی همه شاخص‌ها بیشتر از ۰/۳ است؛ بنابراین شاخص‌ها تبیین کننده مناسبی برای متغیر مورد نظر هستند.



تصویر ۳. مدل اندازه‌گیری متغیر پژوهش در حالت تخمین استاندارد

جدول ۳. وزن دهی مؤلفه‌ها براساس نظر کارشناسان از روش سوآرا

وزن نهایی	محاسبه وزن	ضریب Kz 1+Kj=Sj	اهمیت نسبی مقادیر Sj	مؤلفه‌ها
$Wj = Qj / \sum Wj$	$Kj / (1 - Qj) = (xj)$			
۰/۴۲	۱	۱	۰	آموزش و آگاهی
۰/۳۵	۰/۶۱	۱/۶۵	۰/۶۴۸	مشارکت عملی
۰/۲۷	۰/۴۱	۱/۴۹	۰/۴۸۵	مشارکت اجتماعی
۰/۲۵	۰/۳۴	۱/۷۱	۰/۷۰	ارتباطات
۰/۲۳	۰/۲۴	۱/۷۳	۰/۷۲۸	مشارکت نظری
۰/۲۰	۰/۲۲	۱/۶۰	۰/۶۰۲	رسانه جمعی
۰/۱۷	۰/۱۹	۱/۵۴	۰/۵۴۱	مدیریت احساسات مردم
۰/۱۳	۰/۱۴	۱/۵۷	۰/۵۶۶	سرمایه اجتماعی فرهنگی
۰/۰۰۹	۰/۱۲	۱/۶۸	۰/۶۸۳	هویت بخشی
۰/۰۰۷	۰/۱۰	۱/۶۵	۰/۶۴۸	سرمایه معنوی
۰/۰۰۵	۰/۸	۱/۷۳	۰/۷۳۳	خاطرات جمعی

نتیجه‌گیری

از جمله تهدیدهای بالقوه‌ای که همواره سلامتی و دارایی افراد جامعه را مورد هدف قرار داده، وقوع حوادث و بلایای طبیعی است. بلایای طبیعی پتانسیل ایجاد بحران‌های بزرگ را به دلیل ضعف برنامه‌ریزی و آسیب‌پذیری بالای جوامع انسانی دارا هستند. از این رو سیاست‌گذاران و مسئولان کشور باید جهت رفع این مشکل به رویکردهای نوین در حوزه مدیریت بحران از جمله رویکرد اجتماع‌محور روی آورده و از طریق ظرفیت‌سازی جوامع محلی، میزان آسیب‌پذیری مناطق را در مقابل وقوع بحران کاهش دهند. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر در مدیریت بحران اجتماع‌محور با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع محلی است؛ تا بتوان با شناسایی و تقویت آن‌ها زمینه اجرای بهتر این رویکرد را فراهم کردند. با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه و همچنین استخراج ۵۴ کد با استفاده از روش فراترکیب و تحلیل آن‌ها یافته‌های پژوهش حکایت از این داشت که از میان مؤلفه‌های شناسایی شده (آموزش و آگاهی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، سرمایه معنوی، مشارکت نظری، ارتباطات، مشارکت عملی، مدیریت احساسات مردم، هویت بخشی، مشارکت اجتماعی، رسانه جمعی و خاطرات جمعی) مؤلفه آموزش و آگاهی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت بحران اجتماع‌محور شناسایی شده است. بی تردید ارتقای آگاهی شهروندان آسیب‌دیده در خصوص نحوه حفظ جان خود و خانواده‌هایشان مستلزم آموزش‌های قبل از بحران است. اگر افراد آموزش‌های مدون و یکسان مقابله با شرایط بحران را دیده باشند، توانایی ایجاد امنیت، تأمین سرپناه موقت در ساعات اولیه بحران و فائق آمدن بر مسائل ثانویه پس از حادثه نظیر مقابله با استرس، هیجان و همچنین مسائل بهداشتی را به خوبی انجام می‌دهند. ارتقای آگاهی‌های مردمی از طرق مختلف نظیر آموزش در مدارس، برنامه‌های تلویزیون و رادیو، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شبیه‌سازی بحران‌ها و ... در قبل و حین وقوع بلایا موجب می‌شود تا شهروندان آموزش‌دیده ضمن

ایجاد خونسردی و آرامش در خود و دیگران به‌عنوان بازوی توانایی امداد‌گران عمل نمایند. همچنین افراد آموزش‌دیده محلی به واسطه بومی بودن و با توجه به آشنایی نسبت به محله خود در بسیاری از موارد قادرند در عملیات امدادرسانی و خدمات ضروری مؤثر باشند. پس از مؤلفه آموزش و آگاهی مؤلفه‌های مشارکت عملی و اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی شدند. رویکرد اجتماع‌محور نشان می‌دهد که اجتماعات با مشارکتشان، بحران‌ها را مدیریت می‌کنند تا جامعه‌ای امن، مقاوم و تاب‌آور ایجاد شود. این سامانه مدیریتی مردم محلی را منبع بالقوه‌ای می‌داند که سهمی شدن و همکاری آنان ضامن پایداری است نه مانعی برای آن. بنابراین اساس رویکرد اجتماع‌محوری در مشارکت مردم است. در هنگام وقوع بحران تا رسیدن نیروهای امداد و نجات تنها این خود مردم هستند که با مشارکت عملی در هنگام وقوع بحران می‌توانند به‌کمک هم‌نوعانشان بشتابند؛ بنابراین کارآترین عامل مؤثر و نتیجه بخش، تجهیز و بسیج منابع انسانی و محلی منطقه آسیب‌دیده است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت منظور از مشارکت، مشارکت اثربخش مبتنی بر نظم است چه بسا مشارکت غیر اثربخش خود می‌تواند مانعی برای امدادرسانی شود. بعد از وقوع بحران و آغاز فرایند بازسازی، مشارکت‌های مردمی در قالب مشارکت اجتماعی انجام می‌شود. نمود بارز مشارکت اجتماعی استفاده از مردم بومی منطقه در فرایند بازسازی است که علاوه بر تسریع فرایند بازسازی، موجب افزایش همبستگی اجتماعی، همدلی همکاری و صمیمیت در بین مردم است. در نهایت می‌توان گفت این پژوهش با ارائه چارچوب جامعی از عوامل فرهنگی مؤثر در مدیریت بحران اجتماع‌محور (شکل ۲)، می‌تواند نقشه راه مناسبی برای توانمندسازی مردم جامعه در برابر بحران و بلایای طبیعی باشد. نتایج این پژوهش با تحقیقاتی نظیر تقی‌لو و همکاران (۱۳۹۹) که توسعه روحیه همکاری و وجود مشارکت را عوامل مهمی برای تقویت مدیریت بحران اجتماع‌محور دانسته‌اند؛ اصلانی و همکاران (۱۳۹۹) که بر کیفیت بازسازی

کالبدی محیط مسکونی و مناظر طبیعی و خاطرات جمعی در پس از بحران تأکید داشتند؛ زربین (۱۳۹۹) که بر اهمیت مشارکت مردمی در فرایندهای مدیریت بحران توجه داشت؛ براسی و کرایت (۲۰۲۰) که بر لزوم حفظ آرامش و خونسردی در هنگام بحران توجه داشتند؛ مارسکوله و همکاران (۲۰۱۸) که بر اهمیت نقش آموزش و آگاهی مردم در مدیریت بحران تأکید داشتند؛ کاوکیتینگ و همکاران (۲۰۱۶) که بر نقش رسانه‌های جمعی در هر سه مرحله بحران توجه داشتند، هم خوانی دارد. این پژوهش با هیچ یک از پژوهش‌های سابق مغایرت ندارد. خروجی یک مطالعه باید چراغ راهی برای پژوهش‌های بعد از خود شود، بنابراین با توجه به نتایج پژوهش حاضر در جهت توانمندسازی جوامع محلی برای ارگان‌های مرتبط با بحث که بیشترین نقش را در زمینه فرهنگ‌سازی ایفا می‌کنند، به تفکیک پیشنهادات و راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

آموزش و پرورش: تقویت آگاهی و دانش مدیریت بحران در بین دانش‌آموزان. در این راستا گنجاندن دانش مخصوص به کاهش خطر بلایا در برنامه آموزشی مدارس علی‌الخصوص در مقاطع پیش دبستانی و ابتدایی به منظور نهادینه سازی فرهنگ آمادگی، انتشار دانش و آگاهی در زمینه مدیریت سوانح از طریق گنجاندن در کتب تحصیلی دانش‌آموزان، آموزش مهارت‌های ضروری به دانش‌آموزان جهت آمادگی برای رویارویی با بحران از طریق شبیه سازی اثربخش بحران‌ها در مدارس با دقت نظر و جدیت نه صرفاً به عنوان یک عملیات صوری، برگزاری مسابقات مقاله نویسی یا نقاشی در مورد بلایا، اجرایی کردن برنامه‌های آموزشی در زمینه مشارکت و چگونگی هم‌فکری و انجام کارهای جمعی در مدارس از طریق تدوین جلسات گروهی و بحث در خصوص بحران و بلایای شایع در منطقه بین دانش‌آموزان و همچنین تدوین برنامه‌هایی جهت بازدید از مناطق زلزله زده برای دانش‌آموزان و توزیع کتابچه‌های مصور با رویکرد آموزش حوادث ضروری است.

شهرداری‌ها و دهیاری‌ها: ارتقای دانش و آگاهی‌های عموم مردم. در این راستا انتقال پیام‌های آموزشی در سطح شهر از طریق نصب بیلبورد، پلاکاردها، پوستره‌های آموزشی و تابلوهای تبلیغاتی، توزیع کتابچه‌های راهنما در محله‌ها، برنامه‌ریزی جهت برگزاری کارگاه‌های با کیفیت آموزشی و رایگان جهت استفاده عموم مردم با محوریت‌های مختلف نظیر توجیه منفعت‌های گروهی و تشویق به مشارکت و همچنین آموزش‌های اجرایی در قیل، حین و پس از بحران ضروری است. همچنین تقویت همبستگی اجتماعی در مردم از طریق برگزاری مراسم گروهی، حفظ شادابی و سرزندگی محله پس از وقوع حادثه از طریق در نظر گرفتن برنامه‌هایی نظیر ورزش‌های همگانی، تشویق مردم برای حضور در اجتماع به منظور کمک به سازگاری آنها با بحران حادث شده و برگشت به روال عادی زندگی از طریق برگزاری برنامه‌هایی نظیر جشن‌های مذهبی که قبل از بحران در بین مردم رایج بوده، حفظ هویت فرهنگی شهر از طریق حمایت از بازسازی خانه‌ها، مکان‌های باستانی تخریب شده به سبک و الگوی سنتی اما با متدهای نوین و مقاوم لازم است.

صدا و سیما: فرهنگ‌سازی در خصوص مقابله با بلایای طبیعی از طریق آموزش‌های پیش از وقوع، وقوع و پس از وقوع. در این راستا افزایش تعداد کارتون‌ها، انیمیشن‌ها و برنامه‌های مستند با موضوع آموزش ایمنی در تلویزیون، تدوین آموزش‌های اثربخش از طریق پخش برنامه‌های جذاب که بیننده را تشویق به دیدن کند، در نظر گرفتن محتوای متنوع آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین جلب کمک‌ها در سطح ملی و ترغیب جامعه به کمک‌رسانی به منظور بسیج منابع ملی در هنگام وقوع حوادث گسترده از طریق حساس کردن مردم نسبت به وضعیت هموطنان خود و جایگزین کردن نگاه ملی به جای نگاه منطقه‌ای و قومی، تقویت همبستگی ملی در هموطنان از طریق نشان دادن احساس مسئولیت خود و مردم در قبال آسیب دیدگان با ایجاد این حس که آنها عضوی از خانواده بزرگ کشورند و ایجاد شور و هیجان در اطلاع‌رسانی نظیر پخش تصاویر کمک‌های مردمی از سراسر کشور، خنثی‌سازی پیام‌های تفرقه‌انگیز سایر رسانه‌ها علی‌الخصوص شبکه‌های ماهواره‌ای از طریق بیان حقایق به صورت مستند، پیگیری، نظارت و مطالبه‌گری در خصوص منافع مردم آسیب دیده از طریق مصاحبه با مسئولان و حضور در مناطق آسیب دیده و تهیه گزارشات از فرایند بازسازی.

مدیریت بحران: ارتقای آموزش، ترویج و اشاعه فرهنگ پدافند غیرعامل و مدیریت ریسک جهت حفظ سرمایه‌های ملی از طریق متدهای آموزش رسمی و غیررسمی در مدارس، رسانه ملی و ...، افزایش دانش و آگاهی مدیران حوزه بحران از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی اثربخش، استفاده از افراد آشنا به جغرافیای طبیعی و فرهنگی و اجتماعی منطقه از طریق ایجاد پایگاه‌های امداد و نجات محلی و بومی، شناسایی تهدیدات و آسیب‌های احتمالی منطقه از طریق برآورد زیرساخت‌های اطلاعاتی، افزایش همدلی اجتماعی در بین مردم از طریق ایجاد گروه‌های سازمان یافته در قالب سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های کوچک محلی، بسیج و سازمان‌های خیریه، بکارگیری اثربخش مردم در فرایند امداد رسانی از طریق بستر سازی در زمینه ایجاد تشکل‌های مردمی، شناسایی توانایی‌ها و سازمان‌دهی مناسب آنها.

پی‌نوشت

1. Crisis Management
2. Local community
3. Community-based crisis management
4. Capacity Building
5. Sustainable Development
6. Capacity building of local communities
7. Capacity building as an umbrella
8. Foster and Fishman models
9. Crisp et al
10. NSW Health In Gladesville
11. Mitroff & Shrivastava
12. Scott-D.johnson
13. Lechat
14. Mitroff & pierson
15. Nellson & Halcher
16. Terwit & Celay
17. Rilly

16. Florida Center for Public Health Preparedness [FCPHP] (2017). Assuring cultural competence in disaster response. University of South Florida.

۱۷. اصلانی، فرشته، اسدی، سعیده، شرفی، علی، کاکاوند، یاشل (۱۳۹۹). بررسی تاثیر ابعاد بازسازی محلات بر التیام پیامدهای اجتماعی روانی، پس از زلزله ۱۳۸۲ ب.م. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره دهم، شماره دوم.

۱۸. مهدیه، امید (۱۳۹۹). بررسی تاثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره دهم، شماره دوم. ۱۹. محمدی فر، یوسف، اعظمی، محسن، فیض آقایی، پریا (۱۳۹۹). طراحی مدل بومی مدیریت بحران سوانح گسترده طبیعی (مورد مطالعه: زلزله کرمانشاه). فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره دهم، شماره دوم.

20. Tokakis, V., Polychroniou, P., & Boustras, G. (2019). Crisis management in public administration: The three phases model for safety incidents. *Safety science*, 113, 37-43.

21. Appleby-Arnold, S., Brockdorff, N., Jakovljević, I., & Zdravković, S. (2018). Applying cultural values to encourage disaster preparedness: Lessons from a low-hazard country. *International journal of disaster risk reduction*, 31, 37-44.

22. Humanson, R., & Nordeman, P. (2017). Proactive Crisis Management (PCM): Perceptions of crisis-awareness and crisis-readiness in organizations in relation with their actual strategic initiatives against industrial crises caused by human errors.

23. Hosseini, S. H., Amanat, N., Ghanbari, V., Nakhaee, M., Abbasabadi, M., Najafi, M., ... & Pashaei Sabet, F. (2017). Community-Based Management Challenges in Disaster Risk Reduction: A Content Analysis in Iran. *Health in Emergencies and Disasters*, 2(2), 63-70.

۲۴. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۵). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران، صفراشراقی.

18. Culture

19. Tokakis et al

20. Arnold et al

21. Nordeman & Humanson

22. Hosseini et al

منابع و ماخذ

1. Falk, K. (2013). *Preparing for disaster: a community-based approach*. Copenhagen: Danish Red Cross press.

۲. پور عزت، علی اصغر، فیروز پور، آرمن، سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). مطالعه و مقایسه رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب. فصلنامه‌ی مدیریت سازمان‌های دولتی، سال ۱، شماره ۲، صفحات ۵۲-۳۷.

3. Allen, K. M. (2006). Community-based disaster preparedness and climate adaptation: local capacity-building in the Philippines. *Disasters*, 30(1), 81-101.

4. Fahrudin, A. (2012). Preparing social work students for working with disaster survivors. *Asian Social Work and Policy Review*, 6(2), 86-94.

۵. طالقانی، محمد، سلیمی نیا، احسان (۱۳۹۷). ظرفیت‌سازی جوامع به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار گردشگری. مطالعات مدیریت و کارآفرینی، دوره چهارم، شماره ۱/۱، صص ۱۵۴-۱۴۴.

۶. رفیعیان، مجتبی، خدایی، زهرا، داداش پور، هاشم (۱۳۹۲). ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی. فصلنامه جامعه شناسی نهاد های اجتماعی، دوره اول، شماره دوم.

7. Verity, F. (2007). Community capacity Building-A review of the literature. *Workforce planning*, 1.

8. Jaques, T. (2007). Issue management and crisis management: An integrated, non-linear, relational construct. *Public Relations Review*, 33(2), 147-157.

۹. سجاسی قیداری، حمدالله، صادق لو، طاهره، رئیسی، اسلام (۱۳۹۳). سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله مطالعه موردی: دهستان گشت شهرستان سراوان. پژوهش های روستایی، شماره ۳، صص ۵۶۱-۵۴۱.

۱۰. حسینی، علی، امیدواری، فرشته (۱۳۹۷). واکاوی نقش طراحی شهری در چرخه مدیریت بحران. مجله معماری شناسی، سال اول، شماره دوم.

۱۱. کریمی، خدیجه، تقی لو، علی اکبر (۱۳۹۹). مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره دهم، شماره اول.

12. Jahanghiri, K., & pouria Hedayati, S. (2014). Community participation in confronting natural disasters in Sistan va Baluchestan, Iran: A situational analysis. *Payesh (Health Monitor)*, 13(1), 101-106.

13. Abarquez, I., & Murshed, Z. (2006). *Field Practitioners' Handbook*. Bangkok: Asian Disaster Preparedness Center.

14. Yeo, J., Li, H., Shin, Y. A., & Haupt, B. (2017). Cultural approach to crisis management. *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*, 1-4.

15. Bergeron, W. P. (2015). Considering culture in evacuation planning and consequence management. *Journal of emergency management (Weston, Mass.)*, 13(2), 87-92.